

۲ صفحه
آیا آزارگران جنسی
در دانشگاه‌ها حاشیه امن دارند؟

۲ صفحه
کارزار
«سکوت را بشکنیم»

۳ صفحه
کارگران جنسی،
طراحی لباس زنانه،
کمیسیون زنان برای صلح
شورای عالی مصالحه ملی افغانستان،
کمیسیون امور زنان را برای هماهنگی و
همصدایی زنان در پروسه...

۳ صفحه
اردوگاه‌های وحشت
خاطرات یک دختران جوان

۳ صفحه
روز شمار صلح
کمیته علمای هیات مذاکره کننده دولت
افغانستان و اتحادیه جهانی علمای اسلام
اعلام کردند که جنگ فعلی در...

رویکرد نیمرخ

چرا آزارگران را افشا کنیم؟

و «دامان به سری» مواجه می‌شود، اما در طرف مقابل، تعرض کننده در زیر سایه الفاظ جنسیت‌زده «مرد است دیگر...» «بچه است و دل دارد...» رفتارش توجیه می‌شود، در حالیکه با این واژگان هر روز زنان به سکوت فراخوانده می‌شوند و آزارگران به تعرض بیشتر تشویق می‌شوند.

بررسی‌های نهادهای حقوق بشری نشان می‌دهد که زنان در هیچ کدام از محیط‌های زندگی‌شان امنیت نداشته‌اند. به خاطر اینکه زنان از خانه گرفته تا خیابان و محیط تحصیل

وقتی زنی، مورد خشونت جنسی قرار می‌گیرد، اولین عکس‌العمل اطرافیانش این است که مبادا صدایش را بلند کند وگرنه آبرویش می‌رود و همه انگشت اتهام به سوی او بلند می‌کنند و او را به بی‌حیایی و بی‌بند و باری متهم می‌کنند و می‌گویند: «حتما پوشش و آرایشش مشکلی داشت یا رفتاری کردی که به تو تعرض کردند.»

در ادبیات عرفی جامعه ما زن خوب و حیا، زنی است که سکوت می‌کند اما زنی که صدایش را بلند می‌کند با اتهام «شلیطه/سلیطه‌گری»

و کار، همواره مورد آزارهای کلامی و فیزیکی قرار می‌گیرند، در حالیکه تداوم سکوت قربانیان به قربانی شدن جمعیت بی‌شماری از زنان می‌انجامد. هر چند شکستن تابوی سکوت در برابر تعرض، مستلزم پرداخت بهای بیشتری برای زنان است ولی بلند کردن صدا به هم‌صدایی‌ها منجر می‌شود.

ما سال‌هاست که روایت مردانه آزار جنسی کلامی و فیزیکی را شاهد هستیم اما وقتی تابوی سکوت در برابر تعرض را می‌شکنیم، به این معناست که می‌خواهیم روایت زنانه را از زبان قربانیان آزار جنسی به جامعه ارائه کنیم و جامعه را وادار به پذیرش صدای قربانی کنیم و حاشیه امن آزارگران جنسی را ناامن کنیم، به این ترتیب جلوی قربانی شدن دختران و زنان بیشتری را بگیریم.

افزایش ۲۶ درصدی خشونت با خبرنگاران؛ زنانی که قربانی آزادی بیان شدند

در گزارش کمیته مصونیت خبرنگاران آمده است که از جمله ۱۳۲ مورد خشونت علیه خبرنگاران و کارمندان رسانه‌ها به تعداد ۱۸ خانم خبرنگار و کارمند رسانه مورد تهدید و خشونت قرار گرفته‌اند که ۱۴ درصد از مجموع قضایا را تشکیل می‌دهد. براساس گزارش این کمیته، انواع خشونت مثل: زخمی، لت‌وکوب، اختطاف، اشکال مختلف تهدید، سرقت و برخورد غیر قانونی علیه خبرنگاران و کارمندان رسانه‌ای صورت گرفته است. گروه طالبان

● نیم‌رخ: خشونت‌ها علیه خبرنگاران در افغانستان با ۲۶ درصد افزایش در سال ۲۰۲۰ میلادی به ۱۳۲ مورد رسیده است که قربانی ۱۴ درصد خشونت‌ها زنان‌اند.

کمیته مصونیت خبرنگاران افغان روز پنج‌شنبه، ۱۶ دلو ۱۳۹۹ خورشیدی با نشر گزارش سالانه‌ی ۲۰۲۰ گفته که سطح خشونت‌ها علیه خبرنگاران در کشور نسبت به سال ۲۰۱۹ میلادی ۲۶ درصد افزایش یافته است.

در شهر غزنی به ضرب گلوله کشته شدند. فردین امینی، گوینده تلویزیون آریانا نیوز در کابل به گونه مرموز کشته شد.

کمیته مصونیت خبرنگاران کشتار هدفمند خبرنگاران را تاکتیک جدید جنگی خوانده است که به احتمال زیاد ارتباط مستقیم به گفت‌وگوهای صلح و آینده سیاسی افغانستان دارد.

این کمیته از حکومت، جامعه جهانی و رهبری نهادهای رسانه‌ای خواسته است که در قسمت تأمین امنیت و مصونیت جان خبرنگاران تلاش کنند، از گروه طالبان نیز خواسته است که به خبرنگاران و کارمندان رسانه‌ها به عنوان افراد بی‌طرف آسیب نزنند.

و داعش ۴۴ درصد، منسوبین حکومتی ۳۱ درصد، افراد ناشناس ۱۱ درصد، زورمندان ۳ درصد و مالکان رسانه‌ها ۱۰ درصد این خشونت‌ها را اعمال کرده‌اند.

در جریان سال ۲۰۲۰ میلادی هفت خبرنگار و کارمند رسانه‌ای کشته شده که پنج تن در نتیجه ترورهای هدفمند و دو تن دیگر در اثر انفجار ماین از بین رفته‌اند.

یما سیاوش، گوینده پیشین طلوع نیوز در کابل و الیاس داعی، خبرنگار رادیو آزادی در هلمند در اثر انفجار ماین؛ ملاله میوند، گرداننده برنامه‌های تلویزیون انعکاس در ننگرهار و رحمت‌الله نیکزاد خبرنگار رویترز و رییس اتحادیه خبرنگاران غزنی



آیا آزارگران جنسی در دانشگاه‌ها حاشیه امن دارند؟



حسین احمدی
گزارشگر

حلیمه، بانوی است که در شهر کابل در یکی از دانشگاه‌های خصوصی تدریس می‌کند. او نمی‌خواهد با شهرت واقعی‌ش سخن بگوید؛ چون می‌ترسد با افشاکاری این قضیه به امنیت شغلی‌اش آسیب برسد. حلیمه به هفته‌نامه نیم‌رخ می‌گوید آزارهایی را که ما زنان در محیط‌های فرهنگی تجربه می‌کنیم، همیشه نادیده گرفته می‌شود.

بیش‌تر خشونت‌هایی را که زنان در محیط‌های اکادمیک تجربه می‌کنند، خشونت فیزیکی نیست ولی خشونت‌های روانی و آزار و اذیت جنسی در این مکان‌ها وجود دارد.

حلیمه تأیید می‌کند: «بلی، این یک واقعیت است. با آنکه من به عنوان کادر مسلکی یکی از دانشگاه‌های خصوصی کار می‌کردم ولی معاون علمی دانشگاه همیشه مرا آزار می‌داد. او شب‌ها برایم فیلم‌های غیر اخلاقی (فیلم‌های پورن) می‌فرستاد. در میان جمع همیشه طوری وانمود می‌کرد که گویا با من روابط خاصی دارد. این کارش مرا به شدت آزار می‌داد، اما نمی‌توانستم افشا کنم.»

متهم کردن قربانی بجای متخلف

استاد حلیمه سکوت می‌کرد؛ زیرا او معتقد است که «شاید بتوان با افشا کردن این قضیه، جرم فرد متخلف را ثابت کرد ولی جامعه فوری زن را مقصر می‌داند چون نگاه جامعه و در بعضی موارد حتا دید زنان این‌گونه است که به جای متخلف، قربانی را محکوم می‌کنند.»

او می‌افزاید: «از سوی هم من با افشا کردن نام این شخص و هویت خود امنیت شغلی خود را آسیب می‌زنم. از همین رو سکوت می‌کنم. من یک نمونه‌ام. نمونه‌ی زنانی که در دانشگاه‌های افغانستان خشونت روانی و آزار و اذیت جنسی را تجربه می‌کنند، اما تا هنوز راهکار عملی برای جلوگیری از وقوع این رویدادها و مکانیزم درست برای رسیدگی وجود ندارد. به همین خاطر ترجیح دادم بدون ذکر هیچ دلیلی از آن دانشگاه استعفا کنم.»

بعضی دانشگاه‌ها برای مصون‌سازی فضا برای زنان گام‌های نخستین را برداشته‌اند.

تأسیس کمیته جندر، تدوین پالیسی جندر، تدویر برنامه‌های آگاهی‌دهی و تشکیل بورد رسیدگی به شکایات آزار جنسی، این‌ها چهار قدمی است که دانشگاه گوه‌رشاد در کابل بخاطر مصون‌سازی فضای این نهاد برای زنان برداشته است.

دانشگاه گوه‌رشاد با درک این معضل که ممکن دانشجویان، استادان و کارمندان زن در محیط دانشگاه، خشونت را تجربه کنند، صندوق خاصی برای ثبت شکایات زنان گذاشته است.

این دانشگاه در هر چهار ساختمان تدریسی و مدیریتی، دو نوع صندوق‌های شکایت دارد: صندوق شکایات عمومی که هر گونه شکایت را می‌توان در آن ثبت کرد و «صندوق شکایات آزار و اذیت جنسی» که مخصوص شکایات زنان به ویژه قضایای خشونت‌های جنسی است.

صندوقی برای گزارش آزار جنسی در دانشگاه

خدیجه یآوری، آمر جندر دانشگاه گوه‌رشاد به هفته‌نامه نیم‌رخ گفت: «مصونیت زنان در دانشگاه‌ها یک بحث مهم است ولی وجود خشونت و حتا آزار و اذیت جنسی هم واقعیت دردناکی است که زنان تحمل می‌کنند.»

او می‌گوید دانشگاه گوه‌رشاد از اوایل تأسیس توجه خاصی به ارتقای ظرفیت زنان داشت، آمریت جندر را ایجاد کرد تا از میزان و موثریت حضور زنان در این نهاد مطمئن شود. اما دو سال پیش جهت مصون‌سازی فضای دانشگاه برای زنان بورد/کمیته‌ی منع آزار و اذیت جنسی را ایجاد کرد.

اعضای این کمیته معاون علمی دانشگاه، آمر جندر دانشگاه و نماینده‌ی دادستانی منع آزار و اذیت جنسی می‌باشند که هر ماه یک بار صندوق‌های شکایات را باز می‌کنند و در صورت وجود شکایتی، به آن رسیدگی می‌کنند. مطابق پالیسی جندر دانشگاه در صورتی که قضیه در بورد شکایت منع آزار و اذیت جنسی قابل حل نباشد به وزارت تحصیلات عالی و دادستانی معرفی خواهد شد.

به گفته‌ی خانم یآوری در نخستین سال ایجاد صندوق شکایات منع آزار و اذیت جنسی (۱۳۹۸ خورشیدی) دو



در محیط‌های دانشگاهی بسیار کم است ولی انواع خشونت روانی مثل خشونت کلامی، نگاه جنسی، تبعیض جنسیتی و... بر زنان اعمال می‌شود.»

جمیله یکی از دانشجویانی است که تحقیقی درباره‌ی آزار و اذیت جنسی در دانشگاه‌ها انجام داده است. او به نیم‌رخ می‌گوید: «بسیاری از دختران دانشجو، آزار و اذیت جنسی در دانشگاه‌ها را تأیید می‌کنند اما حاضر نمی‌شوند که درباره‌ی تجربیاتشان از آزار و اذیت جنسی از سوی کادر دانشگاه سخن بگویند.»

سکوت بخاطر بی‌بوری به اجرای قانون

حلیمه، استاد دانشگاه می‌گوید: «یکی از علت‌های اصلی سکوت زنان در برابر آزار و اذیت جنسی هراس از بدنام شدن در جامعه، بی‌بوری به روند دادرسی در اداره‌های دانشگاه‌ها و نهاد‌های عدلی و قضایی و نگرانی امنیت شغلی است.»

کارشناسان حقوقی معتقدند که باید مکانیزم مشخصی برای جلوگیری از آزار و اذیت جنسی و رسیدگی به چنین قضایا در زمینه تحصیلی وجود داشته باشد. مهم‌تر از همه این‌که به دانشجویان، استادان و کارمندان دانشگاه‌ها در مورد آزار جنسی و خشونت آگاهی‌دهی شود. چون سکوت در برابر متخلف، حاشیه امن برای آزارگر بوجود می‌آورد، اما افشاکاری به امن‌سازی محیط‌های اکادمیک برای زنان کمک می‌کند.

به گفته آنها، به قوانین حمایتی و نهادهای حمایتگر قربانی نیاز است تا دانشجو، استاد یا کارمندی که آزار و اذیت جنسی در یک مرکز تحصیلی را افشا می‌کند، اخراج نشود بلکه به قضیه رسیدگی شود.

ملکه قاسمی، آمر جندر وزارت تحصیلات عالی می‌گوید: «این وزارت تلاش کرده است تا به عنوان مرجع اصلی

شکایت ثبت شده بود که توسط این کمیته حل شد. آمر جندر دانشگاه گوه‌رشاد می‌گوید: «این دو قضیه موضوع خشونت جنسی نبوده، بلکه آزار و اذیت روانی و تهدید علیه دانشجویان دختر بوده است.»

خانم یآوری می‌گوید: «این نهاد برنامه دارد تا در سال جدید تحصیلی در جریان هر سمستر حداقل دو سمینار آگاهی‌دهی برای هرصنف برگزار کند و در این سمینارها از روند ثبت شکایات و محرمیت پرونده‌ها در صندوق شکایات آزار جنسی اطلاع‌رسانی خواهد شد.»

او امیدوار است که از این طریق بتوان اعتمادسازی کرد تا زنان جرأت ثبت شکایت و افشاکاری قضایای آزار جنسی را پیدا کنند. حتا صندوق‌های شکایات آزار

و اذیت جنسی را به دور از دید کمره‌های امنیتی جاسازی کرده‌اند تا فرد شاکی مطمئن باشد که هویت او پنهان خواهد ماند.

در همین حال، معصومه عبداللہی، استاد دانشگاه در کابل می‌گوید: «نگرانی بخاطر از دست دادن شغل و ترس از آسیب‌های اجتماعی باعث می‌شود که یک قربانی خشونت، جرأت افشاکاری را نداشته باشد.»

به گفته‌ی خانم عبداللہی، طرز فکر زنان نسبت به قضایای خشونت، باورهای عمومی در مورد زنان قربانی خشونت و دیدگاه قوانین در مورد خشونت علیه زنان از جمله مواردی است که باید به صورت جدی بررسی شود.

نظرسنجی گزارشگر نیم‌رخ از تعدادی از زنانی که در دانشگاه‌ها مشغول به کار هستند، نشان می‌دهد که خشونت در محیط‌های اکادمیک افغانستان بیش‌تر خشونت روانی و آزار جنسی است. تعدادی از زنان کارمند و دختران دانشجو نیز به شرط پنهان ماندن نامشان می‌گویند: «امکان به کار بردن خشونت فیزیکی علیه زنان



ملکه قاسمی، آمر جندر وزارت تحصیلات عالی



خدیجه یآوری، آمر جندر دانشگاه گوه‌رشاد

نهادهای تحصیلی در این مورد پالیسی مشخصی بسازد.»

حمایت از زنان افشاگر

خانم قاسمی به هفته‌نامه نیم‌رخ می‌گوید: «براساس استراتژی جندر این وزارت، مصونیت شغلی یکی از اهداف اساسی این بخش است که از زنان افشاگر نیز حمایت می‌شود.»

به گفته این مسئول در وزارت تحصیلات عالی، این وزارت «پالیسی منع تبعیض و آزار و اذیت جنسی در محیط‌های اکادمیک» و «پالیسی نظم و دسپلین در محیط‌های اکادمیک» را تصویب کرده است و به تازگی روی مکانیزم ثبت و رسیدگی و تعقیب شکایات نیز کار می‌کند.

آمر جندر وزارت تحصیلات عالی بدون اینکه آماری درباره‌ی ارجاع و ثبت شکایات آزار جنسی در این وزارت ارائه دهد، می‌گوید: «در ۲۸ دانشگاه و موسسه تحصیلات عالی دولتی، واحدهای جندر فعال شده تا به این مشکلات رسیدگی کند، در ۱۱ نهاد تحصیلی دولتی نیز این بخش در حال تکمیل شدن است.» به گفته‌ی او از میان ۱۴۰ دانشگاه و موسسه تحصیلات عالی خصوصی نیز حدود ۴۰ نهاد واحدهای جندر را فعال ساخته‌اند.

خانم قاسمی افزود: «برای محرمیت پرونده‌های آزار جنسی، در سال ۱۴۰۰ خورشیدی یک دیتابیس آنلاین در وزارت تحصیلات عالی ایجاد می‌شود تا دانشجویان، استادان و کارمندان دانشگاه‌ها و موسسات تحصیلات عالی دولتی و خصوصی از سراسر کشور شکایاتشان را ثبت کنند. وزارت تحصیلات عالی در همکاری با نهادی که در آن خشونت علیه زنان صورت گرفته و نهادهای عدلی و قضایی مسئولیت تعقیب و رسیدگی را به عهده دارد.»

خانم قاسمی هم‌چنین می‌گوید که شماره تلفن سه رقمی مثل شماره عاجل پولیس نیز در وزارت تحصیلات عالی ایجاد می‌شود تا به این قضایا فوری رسیدگی شود.

او می‌افزاید: «مصون‌سازی فضای دانشگاه و رعایت جندر شامل روند تضمین کیفیت نیز می‌شود که طبق این پلان تمام نهادهای تحصیلی در بخش منع آزار و اذیت زنان پاسخگو است. این وزارت برنامه‌ریزی درازمدت تدوین کرده است که تساو جنسیتی را شامل نصاب تحصیلی کند تا از این طریق بتوان اعضای دانشگاه‌ها را از خشونت علیه زنان و روند رسیدگی به آن آگاه کرد.»

براساس ماده‌ی سوم، فصل دوم «لایحه نظم و دسپلین/ برنامه‌ریزی موسسات تحصیلات عالی» که وزارت تحصیلات عالی در سال ۱۳۹۶ به نهادهای تحصیلی دولتی و خصوصی فرستاده، اذیت جنسی و بی‌احترامی به عنوان سلوک/ رفتار ضداجتماعی دارای مجازات شناخته شده است.

در بند دوم این ماده آمده است که «اذیت جنسی دربرگیرنده‌ی هر گونه گفتار و کردار خارج از عرف و نزاکت است که فرد را به دلیل جنسیت وی مورد تعرض قرار دهد و در حد تجاوز جنسی مندرج ماده پنجم قانون منع خشونت علیه زنان نرسد.»

ماده‌ی دهم فصل چهارم همین لایحه تمامی نهادهای تحصیلی دولتی و خصوصی را مکلف ساخته است تا برای مصونیت فضای تحصیلی از خشونت و آزار و اذیت، کمیته‌ی نظم و دسپلین را ایجاد کند.

اما کارشناسان براین باورند که اگر در سطح رهبری یک نهاد، تعهد وجود نداشته باشد؛ تشکیل یک کمیته و وجود ساختارهای سمبولیک کارایی نخواهد داشت.

به همین خاطر، آنان تأکید دارند که حضور زنان در سطح رهبری دانشگاه‌ها می‌تواند یکی از راهکارهای مهم برای مصونیت زنان در محیط‌های اکادمیک باشد.

معصومه عبداللہی می‌گوید: «نگاه رهبری یک دانشگاه به زنان بر نوع برخورد همه اعضای آن نهاد اثرگذار است.» خدیجه یآوری نیز از اینکه دو سال است، بارها سمینار آگاهی‌دهی برگزار کرده و بانوان را از صندوق ویژه‌ی ثبت شکایات آزار جنسی خبر داده ولی طی دو سال فقط دو مورد خشونت علیه زنان در این نهاد ثبت شده است، خرسند به نظر می‌رسد. او می‌گوید: «بخاطر تعهد و رویکرد رهبری دانشگاه گوه‌رشاد و حضور داکتر سیما سمر در هیأت رهبری دانشگاه گوه‌رشاد، تأثیر مثبتی در مصون‌سازی این فضا برای زنان داشته است.»

کار در حوزه زنان را دارد.

از دوستم خداحافظی کردم و از دانشگاه بیرون شدم و به خیال اینکه به دوستم کمکی می‌کنم به سراغ آن استادی رفتم که فکر می‌کردم قابل اعتماد است. در منزل دوم یکی از دانشگاه‌های خصوصی دفتر کوچک داشت.

از دروازه که وارد شدم سلام دادم، از جا بلند شد دستش را دراز کرد وقتی با او دست دادم من را به سمت خودش کشید که بیوسد. حس بدی به من دست داد اما به روی خودم نیاوردم. نشستم و موضوعی را که می‌خواستم مطرح کردم. گفت دوست تو هم مثل خودت باریک اندام و آزاد است؟ گفتم منظور تان چیست؟ خندید و گفت جدی نشو دختری فعال مثل شما که نباید جنگ کند. از گفته‌هایم به نرگس در مورد این آقا پشیمان شده بودم.

راهنمایی پایان نامه دفترشان رفتم، دستش را روی شانهم گذاشت و گفت که اگر با من بخندی، پایان نامه‌ات را می‌نویسم. نمی‌دانستم چه بگویم همانجا بود که دستش را پس زدم و از جایم بلند شدم، بدون اینکه خدا حافظی کنم، دروازه را پشت سرم بستم. در تمام مسیر راه عصبانی بودم و گریه کردم. فردای آن روز در مسنجر فیسبوک پیامی فرستاد به این عنوان: «سلام آهوی تیزیپا و نازنین، فضای دفتترم آکنده از بوی عطر توست. می‌خواهم چون پیچکی در تن تو بیچیم.»

وقتی پیام را خواندم و رفتم روی پروفایل فیسبوکش به عکس‌هایم خیره شدم. ۳ برابر من سن دارد با آن شکم بزرگش که حال آدم را بهم می‌زند. بلاکش کردم و از آن روز تا حالا حامله بد است. چون توقع چنین رفتاری را هرگز نداشتم از کسی که دکترا دارد و سال‌های سال تجربه تدریس و

دوسال می‌شد در فیسبوک نیز همدیگر را فالو می‌کردیم. پشت دروازه صنف ایستاده بودیم، او در مورد موضوع پایان نامه‌اش صحبت می‌کرد و می‌گفت موضوعی را که انتخاب کرده کار کردن رویش وقت‌گیر و دشوار است.

بی‌درنگ یکی از اساتید دانشگاه را که با او آشنایی دوری داشتم، به دوستم پیشنهاد کردم، هرچند که از نزدیک نمی‌شناسم اما سخنرانی او را در مورد «خشونت‌های خانگی علیه زنان» شنیده بودم.

دوستم لبخندی زد و گفت: چشم آب نمی‌خورد، این‌گونه آدم‌ها بدون مقصد وقت بگذارد؛ چون همین هفته پیش با یکی از اساتید دیگر که سال‌های زیادی است که در بخش جندر و مطالعات زنان تدریس می‌کند و گاهی در کارگاه‌های آموزشی کمیسیون مستقل حقوق بشر شرکت می‌کند، اما وقتی برای درخواست

محترم بود!

کارزار «سکوت را بشکنیم»

● نشریه نیم‌رخ، بعنوان تریبون صدای زنان، کارزاری را تحت عنوان «سکوت را بشکنیم» راه‌اندازی کرده است. نیم‌رخ از این پس، تجربه‌های آزار جنسی را با حفظ هویت افشاگران منتشر می‌کند. کسانی که علاقمند به اشتراک گذاشتن تجربه‌هایشان دارند، می‌توانند به آدرس ایمیل نشریه، mail@nimrokh.af یا در پیامخانه فیسبوک NimrokhWeekly پیام دهند. سال دوم دانشگاه بودم، دو هفته‌ای به امتحانات فاینل سمستر چهارم مانده بود. هوا ابری و غبارآلود بود، باد خنک می‌وزید همراه دوستم دانشجوی دانشکده‌ای اقتصاد بود و مدت

کارگران جنسی، طراحی لباس زنان، کمیسیون زنان برای صلح



جمیله احمدی
گزارشگر

● شورای عالی مصالحه ملی افغانستان، کمیسیون امور زنان را برای هماهنگی و همصدایی زنان در پروسه صلح راه اندازی کرد. طراحان عربستانی و بلژیکی/ بلجیم با طرح عبایه (لباس عربی زنانه) یک لباس مشترک طراحی کرده‌اند و در یک نمایشگاه مد لباس در سفارت بلژیک در ریاض پایتخت عربستان به نمایش گذاشتند.

صفیه حسین طراح عربستانی و کریستف بوفایس طراح بلژیکی آن لباس‌ها را طراحی کرده‌اند. در این مراسم: کریستف بوفایس گفت که ما سعی کردیم که در طراحی عبایه از فرهنگ مدرنیته نیز استفاده کنیم. امیدواریم که نه تنها زنان عربستانی و عرب بلکه زنان در دیگر کشورهای جهان آن را دوست داشته و بپوشند. وی افزود: رسانه‌ها عبایه را منفی به تصویر می‌کشند، اما ما فقط می‌خواهیم جنبه مثبت را نشان دهیم که در واقع یک لباس بسیار ظریف است که می‌توان آن را به چیزی شیک و مدرن تبدیل کرد.

یک زن سیک در استرالیا برای زنان محجبه ماسکی می‌سازد که به راحتی بتوانند استفاده کنند. کاپور یک طراح لباس در ملبورن استرالیاست. وی می‌گوید: «من کارهای زیادی در بخش لباس و طراحی انجام داده‌ام. اما چنین کاری هرگز نکرده بودم. وقتی متوجه‌شدم طرح ماسک معمولی برای همه مناسب نیست این ماسک را طراحی کردم. این ماسک بند دراز دارد و به راحتی می‌توان آن را پوشید.»

دختری اهل مزار دوره های آموزش شطرنج برای زنان را راه اندازی کرده است. وی می‌گوید که ایده برگزاری دوره های آموزش شطرنج را از دوره فرزندانه آغاز کرده است. بازی شطرنج از جمله رشته های ورزشی محسوب می‌شود که باعث تقویت قوای فکری می‌شود.

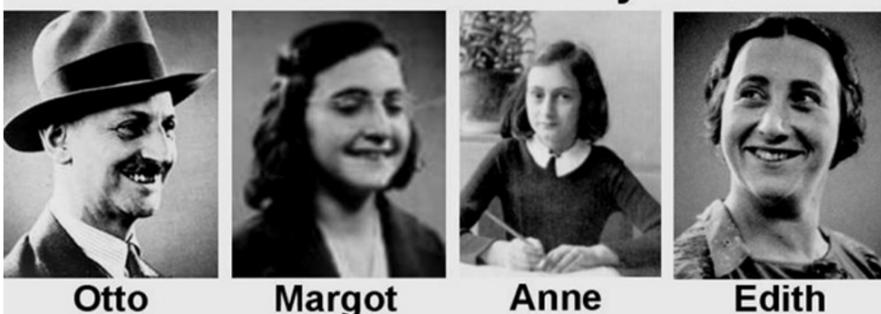
زنی که در حمله‌ای به کنگره آمریکا لپ‌تاپ نانسی پلوسی را دزدیده بود و می‌خواست آن را به روسیه بفروشد، به دام پلیس فدرال FBI افتاد. نکته عجیب در اطلاعیه پلیس فدرال امریکا این بود که رایلی به دزدیدن رایانه شخصی خانم پلوسی متهم نشده و اتهام رسمی او ورود غیر قانونی به ساختمان کنگره است.

دولت تاجیکستان کودکان زنان تن فروش را از آنها می‌گیرد. عبیدجان شریپوف یکی از مسئولان کمیته دولتی امور زنان و خانواده‌ها می‌گوید: هدف محدود کردن حلقه کاروبار دلالان جنسی است. آن‌ها درباره علت این تصمیم می‌گویند: «ما باید تصور کنیم، وقتی زن را به فحاشی یا به کارهای غیراخلاقی جلب می‌کنیم در خانه آن زن یک یا دو فرزند بی‌سرپرست می‌ماند.» دولت تاجیکستان برای کسانی که صاحب خانه‌های دلالی فحشا و تنفروشی هستند، مجازات سختی را وضع کرده است.

مثل اینکه می‌خواستیم شب را در یخبندان سپری کنیم. البته دلایل آن بود که می‌خواستیم هر چه بیشتر لباس با خود برداریم. هیچ یهودی در شرایط ما چنین ریسکی نمی‌کرد که خانه‌اش را با چمدانی پر از لباس ترک کند. تختخواب‌ها نامرتب، صبحانه نیمه‌کاره روی میز و نیم کیلو گوشت مخصوص گربه در آشپزخانه بود. همه این چیزها باعث می‌شد مردم تصور کنند که ما با شتاب خانه را ترک کرده‌ایم. اما ما نگران حرف مردم نبودیم. ما فقط می‌خواستیم از آنجا فرار کنیم و صحیح و سالم به مقصد برسیم. هیچ چیز دیگری اهمیت نداشت.

● پنج شنبه ۹ جون ۲۴۹۱

The Frank Family



Otto

Margot

Anne

Edith

ثریا مبتکر نخستین کارگاه شیرینی‌پزی در دایکندی



لطیفه سادات موسوی
گزارشگر

«در کنار شیرینی‌هایی مانند کلچه و کیک‌های عروسی، شیرینی‌های سنتی را تهیه می‌کند. او می‌گوید: بعد از رونق یافتن کسب و کارش در شهر، شعبات شیرینی‌پزی‌اش را به ولسوالی‌های دایکندی نیز گسترش می‌دهد تا زنان بیشتری جذب این کسب و کار شوند و از این طریق با استفاده از محصولات زراعتیشان امرار معیشت نمایند.»

آشپز ماهر به گونه‌ی تئوری و عملی در کابل فرا گرفته و سپس به چهار خانم دیگر آموزش داده است که اکنون در کنار او کار می‌کنند.

اکنون ثریا انتظار دارد که تولیدات اش را که از پیداوارهای زراعتی دایکندی تولید می‌کند، به بازارهای خارج از کشور نیز صادر کند.

بی‌ظنیر جعفری، رئیس امور زنان دایکندی می‌گوید: «ابتکار زنان در ایجاد تجارت‌های کوچک مانند شیرینی‌پزی، خیاطی، و صنایع دستی ستودنی است و یک امیدواری برای خودکفایی و استقلال مالی زنان را نشان می‌دهد.» مسئولان در ریاست امور زنان دایکندی می‌گویند که تعداد زنان مشتب/کارآفرین به حدود شصت تن می‌رسد.

شیرینی و شیرینی‌پزی شهره بوده‌اند. خجور، بسراغ و حلوا از شیرینی و خوراکی‌های معروف هستند که تاکنون در بین مردم رواج دارد و کیک و شیرینی جزو خوراکی‌هایی است که تاجران از شهرهای غزنی، کابل و هرات به دایکندی می‌آورند اما مسیرهای ناهموار مواصلاتی به این ولایت و مکان نگهداری نامناسب باعث می‌شود که شیرینی‌جات، کیفیت اولیه‌اش را از دست بدهد.

ثریا امیری می‌گوید: «در کنار شیرینی‌هایی مانند کلچه و کیک‌های عروسی، شیرینی‌های سنتی را تهیه می‌کند. او می‌گوید: بعد از رونق یافتن کسب و کارش در شهر، شعبات شیرینی‌پزی‌اش را به ولسوالی‌های دایکندی نیز گسترش می‌دهد تا زنان بیشتری جذب این کسب و کار شوند و از این طریق با استفاده از محصولات زراعتیشان امرار معیشت نمایند.» تلاش دارم که بعد از رونق یافتن کسب و کارم در شهر نیلی به خاطر ایجاد اشتغال به دیگر زنان، شعبات از شیرینی‌پزی‌م را به ولسوالی‌ها گسترش بدهم.»

در کنار ثریا، چهار بانوی دیگر صاحب شغل شدند و برای تأمین مصارف زندگی روزمره‌شان برای ثریا کلچه می‌پزند. ثریا که قبلاً نیز باقمندی به یخت و پخت داشته برای انکشاف مهارت‌هایش به مدت یک ماه، کلچه و شیرینی‌پزی را از یک

● ثریا بعد از اینکه تمام شهر دایکندی را به دنبال کیک و شیرینی جستجو کرد و سرانجام با خرید شیرینی بی کیفیت و تاریخ مصرف گذشته به خانه بازگشت و با خود فکر کرد که چرا شهرش با داشتن میوه های خشک و تازه و گیاهان کوهی هنوز یک کارگاه شیرینی‌پزی ندارد؟ او سپس طرحی به دفتر زنان ملل متحد فرستاد و با کمک این دفتر، اولین کارگاه شیرینی‌پزی را در دایکندی راه اندازی کرد.

ثریا امیری، بیست و دو سال سن دارد و دانشجوی رشته‌ی حقوق و علوم سیاسی است. او با استفاده از میوه‌های خشک مانند: بادام و چهار مغز، گیاهان کوهی و آبی مانند زیره، بادیان، پونه و میوه های دیگر، بیشتر از دوازده نوع کیک و کلچه تهیه می‌کند. او که یک هفته از افتتاح شیرینی‌سرایش می‌گذرد می‌گوید: طی یک هفته تقریباً تمام تولیداتش به فروش رسیده است.

ولایت دایکندی از جمله ولایات زراعتی افغانستان است که انواع پیداوار/ محصولات زراعتی در آن کشت و برداشت می‌شود و زندگی روزمره‌ی خانواده‌ها نیز بر محور محصولات زراعتی می‌چرخد، اما این محصولات بازار فروش مناسبی ندارد و نمی‌تواند نیازهای اقتصادی مردم را تأمین کند.

مردم ولایت دایکندی به خصوص زنان این ولایت با سابقه‌ی سنتی و فرهنگ بومی در گذشته‌های دور در تولیدات

● کمیته علمای هیات مذاکره کننده دولت افغانستان و اتحادیه جهانی علمای اسلام اعلام کردند که جنگ فعلی در افغانستان، مشروعیت دینی ندارد و باید روند مذاکرات صلح سرعت یابد. ۲۱ دلو

سفارت آمریکا و نمایندگی‌های سیاسی شماری از کشورهای اتحادیه اروپا در افغانستان بیانیه مشترکی منتشر کردند و در آن «قتل‌های هدفمند، آدم ربایی و تخریب ساختمان‌های عمومی» را محکوم کردند و طالبان را مسئول خشونت‌ها دانستند. ۲۱ دلو

طالبان اعلام کرده اند که نمایندگانه اروپا و آمریکا، اتهامات بی اساسی را بر امارت اسلامی بسته‌اند و این گروه بازسازی و نگهداری از دارایی‌های عامه احساس مسئولیت می‌کند.

● شورش و تگرانی کرده بود. ۳۱ دلو

شورای امنیت دولت افغانستان می‌گوید که صحبت درباره ساختار نظام، پیش از وقت/ زودتر از موعد است و طالبان در مقابل خون‌های ریخته شده مسئول است. ۴۱ دلو

● هیات‌های اعزامی طالبان به مسکو و تهران اعلام کرده‌اند که براساس توافق نامه دوحه که این گروه با امریکا به امضا رسانده است و در نتیجه مذاکرات بین‌الافغانی، حکومتی به رهبری محمدشرف غنی از بین می‌رود و «حکومت جدید اسلامی افغانستان» جای‌گزین آن می‌شود. ۴۱ دلو



اردوگاه‌های وحشت

خاطرات یک دختر جوان

● قسمت دوم

اول برایم می‌گویم که یکشنبه بعدازظهر چه اتفاقی افتاد. ساعت سه، کسی در خانه ما را زد. من صدایی نشنیدم، برای اینکه روی صندلی راحتی در تراس/بالکن لم داده بودم و زیر آفتاب کتاب می‌خواندم. مارگو سراسیمه نزدیک در آشپزخانه شد و زیر لب گفت: «اس اس (سازمان شبه نظامی زیر نظر هیتلر) برای بابا احضاریه فرستاده. مادر هم نیست، رفته پیش آقای فان دان.» (آقای فان دان دوست و شریک پدرم است.) من خشمگینم زد.

همه می‌دانند که معنای احضاریه چیست. در یک لحظه شیخ اردوگاه‌ها و سلول‌های انفرادی از نظرم گذشت. چطور می‌توانستیم بگذاریم پدرم را به این اماکن بفرستند؟ در حالیکه در سالن منتظر رسیدن مادرم بودیم، مارگو گفت: «اصلاً نباید بروم. مامان رفته از فان دان بپرسد که آیا می‌شود ما از فردا در مخفیگاه مستقر شویم. آنها نیز با ما مخفی خواهند شد و در کل هفت نفر خواهیم بود.» سکوت همه جا را فرا گرفت. ما دیگر نتوانستیم کلامی به زبان بیاوریم. فکر این که پدرم بی‌خبر از این امور مشغول عبادت از کسی در بیمارستان یهودیان بود، انتظار کشیدن برای مادرم، گرما، هیجان و خلاصه همه اینها ما را به سکوت واداشته بود. از فرط خستگی داشتم

● همه می‌دانند که معنای احضاریه چیست. در یک لحظه شیخ اردوگاه‌ها و سلول‌های انفرادی از نظرم گذشت. چطور می‌توانستیم بگذاریم پدرم را به اردوگاه بفرستند؟

● «خاطرات آن فرانک» نوشته‌های یک دختر نوجوان یهودی است که در تابستان ۲۴۹۱ در زمان جنگ جهانی دوم در وحشت از نازی‌ها (طرداران هیتلر) مجبور شد، همراه با اعضای خانواده‌اش در شهر آمستردام به زندگی مخفی روی آورد. به مدت بیش از دو سال، آن و پدر و مادر و خواهرش با چهار یهودی دیگر در این مخفیگاه به سر می‌بردند. در طول این مدت آن خاطراتش را در دفترچه‌ای ثبت می‌کرد. سرانجام نازی‌ها آنها را دستگیر و روانه اردوگاه‌های مرگ می‌کنند.

● کیتی عزیزم از یکشنبه صبح انگار سال‌های سال سپری شده است. آنقدر مسایل مختلف اتفاق افتاده که به نظر می‌آید، دنیا کون فیکون شده ولی می‌بینی کیتی، من هنوز زنده‌ام و به قول پدرم این از همه چیز مهمتر است. بله، درست است؛ من هنوز زنده‌ام اما نپرس کجا و چگونه. احساس می‌کنم امروز از حرف‌هایم هیچ چیز نمی‌فهمی، به همین دلیل



• صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: فاطمه روشنیان

• سردبیر و ویراستار: مریم شاهی / • گزارشگران: حسین احمدی، لطیفه موسوی و جمیله احمدی

• عکاس: حمیده مهردل / • ترجمه: حافد عظیم‌یار / • صفحه‌آرایی: اسماعیل لعلی

• چاپ: مطبوعه امام / • توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

• به غیر از سرمقاله، مطالب دیگر بیانگر دیدگاه نویسندگان است.



زن در قوانین
موضوعه افغانستان

سکوت قانون درباره سکونت اجباری زنان

• معصومه عبداللهی

استاد دانشگاه

• انتخاب محل زندگی زوجین بعد از ازدواج از جمله مسائل مهم و اساسی زندگی مشترک است.

از آنجا که خانه و سکونتگاه مکان امن و محل آرامش زوجین است، بهتر است انتخاب مسکن با توافق زوجین و مشورت آنها صورت گیرد در غیر اینصورت سرآغاز مشکلات عدیده فامیلی و خانوادگی می گردد و موجب بروز اختلافات و کینه توی‌های زیادی خواهد گردید که چه بسا حل مسالمت آمیز آن بعد از بروز فاجعه، امکان پذیر نخواهد شد و آسیب های روانی زیادی که در نتیجه اجبار زنان به سکونت در منزل مشترک با والدین همسر به او وارد می شود، گاهی چنان شدید بوده که موجب از هم پاشیدگی خانواده و بلاتکلیفی فرزندان می گردد.

با رجوع به قانون مدنی (ماده ۱۱۵) و احوال شخصیه اهل تشیع افغانستان (۱۶۴) حق انتخاب مسکن بر عهده شوهر است و زن مکلف است در منزلی سکونت کند که شوهر برایش تعیین می کند و عدم سکونت موافقت زن با این تصمیم شوهر از جمله عوامل نشوز بوده و زن ناشزه (زنی سرپیچی کننده) از نفقه که جزء حقوق مسلم اوست، محروم می گردد.

بنابراین با ملاحظه این خلاء قانونی که وجود دارد، زن می تواند در ضمن عقد نکاح شرط نماید که اختیار تعیین مسکن برعهده او باشد و چنین شرطی در صورت موافقت شوهر، صحیح و قابل اجرا خواهد بود.

حال سوالی که مطرح می گردد این است که محدوده این آزادی مرد درانتخاب مسکن که به موجب قانون به او داده شده تا کجاست؟ آیا شوهر می‌تواند از این حق خود سوءاستفاده کرده و زن را وادار نماید تا در منزلی زندگی کند که موجب هتک حرمت و آسیب جسمی و روحی به او گردد؟

در پاسخ باید گفت: با رجوع به قانون احوال شخصیه اهل تشیع (ماده ۱۶۴) اگرچه اختیار تعیین مسکن به شوهر داده شده است اما اگر شوهر از این اختیار خود سوءاستفاده نماید و سکونت در منزل مشترک برای زن موجب ضرر مالی، جانی یا شرافتی به او گردد، از مصادیق عسر و حرج بوده و زن می تواند با رجوع به محکمه خواهان مسکن جداگانه گردد.

اما به نظر می رسد قانون مدنی در این مورد سکوت کرده است و حق تعیین مسکن را به طور مطلق به شوهر داده است و چه بسا اگر این خلاء قانونی پر نشود و قانون اصلاح نگردد باعث ایجاد مشکلات عدیده برای زوجین می گردد.

شناس در دانشگاه ملی سنگاپور که در زمینه ازدواج و خانواده تحصیل کرده، می‌گوید: هنوز هم سنت‌های مردسالارانه در چین تغییر نکرده است؛ پدر و مادر پسر توقع دارند عروس‌شان از آنها، خانواده و فرزندانش مراقبت کند حتی اگر وظیفه تمام‌وقت داشته باشد.

یونگ می‌گوید: «به طور کلی ازدواج در چین بسیار مشکل است؛ بخاطر اینکه ازدواج تنها پیوندی بین دو نفر نیست، مسئولیت‌های زیادی را به بار می‌آورد و برای زنان مشکل است که دو وظیفه را همزمان انجام دهند.» لی ژان دستیار یک پروفیسور روان شناسی در دانشگاه نیویورک-شانگهای که در مورد خانواده‌ها تحقیق می‌کند، می‌گوید: «نابرابری جنسیتی واقعا باعث شده که زنان چینیایی قبل از رفتن به مرکز ثبت ازدواج تأمل کنند. همچنین فشار کار و ساعات زیادی کاری در چین وضعیت را بدتر کرده، برای زنان انرژی کمتر می‌ماند تا یک رابطه را ایجاد کرده و از خانواده مراقبت کنند.»

آمارها نشان می‌دهد که هر دو جنس در چین تمایل زیادی به ازدواج ندارند. بر اساس آمار آکادمی اجتماعی چین از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۶ میانگین سن ازدواج برای زنان از ۲۲ تا ۲۵ سالگی و برای مردان ۲۴ تا ۲۷ سالگی بوده است. اکنون در شهرهای بزرگ میانگین ازدواج برای مردان ۳۰ و برای زنان ۲۸ سالگی می‌باشد. سو ۳۱ ساله از گوانگجو اغلب از دوستان متأهل خود در مورد مسئولیت‌های ازدواج شنیده است. او می‌گوید: امروزه، توانایی اقتصادی زنان بهبود یافته است. زندگی تنهایی بسیار زیباتر است، اگر مردی را برای تشکیل خانواده پیدا کنید، کیفیت زندگی پایین می‌آید و استرس زیادی برای زنان به وجود می‌آید.

یونگ می‌گوید: «بهتر شدن وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان ازدواج را برای آنها دشوار کرده است؛ چون زنان چینیایی می‌خواهند با مردی که تحصیلات و درآمد بالاتر از خودشان داشته باشد ازدواج کنند. برعکس مردان می‌خواهند با زنان که تحصیلات و درآمد پایین‌تر از خودشان داشته باشد ازدواج کنند. اما اکنون سطح درآمد و تحصیلات زنان در بسا موارد از درآمد و تحصیلات مردان بیشتر رفته است.»

• افزایش هزینه و پرداخت پول به خانواده زن

از نظر بسیاری خانواده‌های چینیایی، خرید خانه پیش شرط ازدواج است، اما بسیاری از جوانان چینیایی توان خرید خانه را ندارند و والدین‌شان هم پول زیادی برای پس‌انداز ندارند که کمک کنند. جوانا وانگ، دانشجوی ۲۴ ساله از جنوب غربی شهر چنگدو، سه سال با دوست پسرش زندگی کرده است. این دو دل‌داده قصد دارند در شانگهای زندگی کنند اما به زودی قصد ازدواج ندارند.

فشار مالی تنها در شهرها احساس نمی‌شود. در مناطق روستایی خانواده داماد باید بهای عروس را به شکل نقد یا یک خانه به خانواده وی پرداخت کند. این روش قرن‌هاست که در چین وجود دارد. اما هزینه‌ها در دهه‌های اخیر بالا رفته که دلیل آن عدم تعادل جنسیت است.

به نظر می‌رسد دولت چین تاکنون نتوانسته است که راه حل موثری برای بحران ناشی از بی‌علاقگی زنان به ازدواج و برقراری نسبت مناسب بین جمعیت فزاینده مردان به زنان بیابد.



دولت چین نگران بی‌علاقگی زنان چینیایی به ازدواج

• نسبت جمعیتی مردان چین، سی میلیون بیشتر از زنان این کشور است، اما شمار زنانی که ازدواج می‌کنند، به طور روزافزونی کمتر می‌شوند. بخصوص زنانی که بعد از سال دو هزار میلادی به بلوغ رسیده‌اند، علاقه‌ای به ازدواج ندارند.

موضع نهادهای حقوقی را در قسمت برابری جنسیتی می‌دانند، نگرش‌شان در مورد ازدواج تغییر کرده است. «شیائو میلی، رهبر جنبش فمینیست چین می‌گوید: بعضی مواقع زنان بخاطر تاهلشان مورد توهین قرار می‌گیرند. و برخی آن‌ها را بخاطر مطیع بودن و فرمانبرداری با عنوان (خر شوهر) خطاب می‌کردند. این رفتار نشان‌دهنده ترس شدید از ازدواج است.»

یکی از سیاست‌های اصلی دولت فعلی چین، تشویق جوانان به داشتن فرزند است. بی‌علاقگی زوج‌های جوان به فرزندآوری نیز بحرانی دانسته می‌شود که ممکن است برای حزب کمونیستی چین در آینده خرساز واقع شود چون کاهش جمعیت به ثبات اجتماعی و اقتصادی چین صدمه می‌زند.

• هشدار اداره احصائیه

در چین آمار ازدواج در شش سال اخیر به پایین‌ترین میزان در ۱۴ سال اخیر رسیده است. مقامات چینیایی علت این کاهش را سیاست تک‌فرزندی در سال ۱۹۷۹ برای کنترل جمعیت چین دانسته‌اند، اما جمعیت‌شناسان سال‌هاست که از بروز بحران جمعیت هشدار می‌دهند. در سال ۲۰۱۴ جمعیت کارگر در چین برای اولین بار در سه دهه اخیر کاهش یافت و رهبران چینیایی را نگران کرد. در سال بعدی حکومت چین سیاست تک فرزند را خاتمه داد و به زوج‌ها اجازه داشتن دو فرزند را داد.

در اول جنوری سال ۲۰۱۶ سیاست دو فرزند اجباری شده بود ولی این سیاست تأثیری برعکس داشت و آمار تولید مثل کاهش یافت. وی جون ژان یونگ، جامعه



• ترجمه: حافد عظیم‌یار
نویسنده، Nectar Gan
منبع: CNN

• دو سال قبل، جانسو نگران سی سالگی بود. او در یک شرکت تجارتي خارجی در جنوب شهر بزرگ گانجیو چین کار می‌کند. خانم سو درآمد مناسب دارد، آخرهای هفته وقت زیادی را با دوستانش می‌گذرانند، اما مشکل سو و فامیلش این است که سو مجرد است. او می‌گوید: من احساس می‌کردم سی سالگی زمان مهمی برای ازدواج است، وقتی به سن سی سالگی نزدیک می‌شدم، تحت فشار شدیدی از سوی پدر و مادرم قرار گرفته بودم تا یک شخص مناسب را برای ازدواج پیدا کنم.

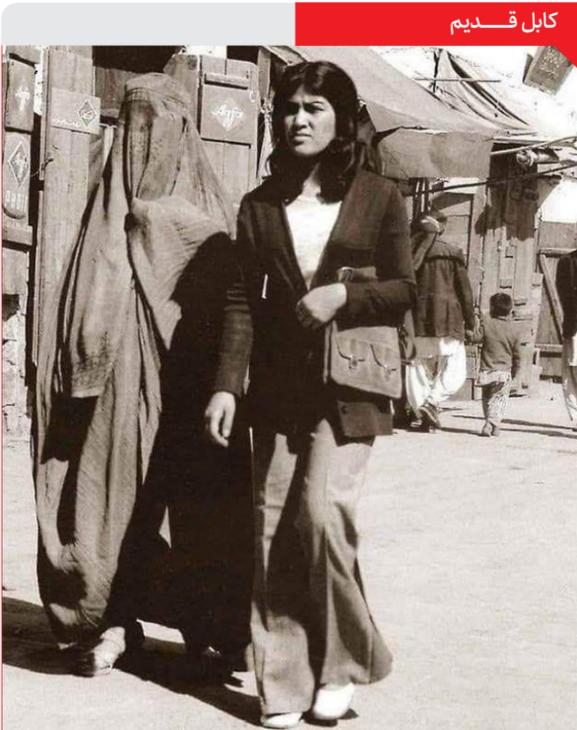
در ۳۱ نوامبر ۲۰۲۰، سو هنوز هم مجرد است. او می‌گوید که دیگر نگران نیست؛ چون ازدواج کردن با کسی که علاقمندی به او نداشته باشد را تلف کردن وقت می‌داند. مطابق داده‌های اداره ملی احصائیه چین، طی شش سال (۲۰۰۷-۲۰۱۳) حدود ۲۳ میلیون زوج ازدواج کردند اما در شش سال بعد (۲۰۱۳-۲۰۱۹) حدود ۱۳ میلیون زوج ازدواج کردند. این آمار کاهش ۴۱ درصدی را نشان می‌دهد.

مقامات چینیایی و روان شناسان می‌گویند این کاهش به دلیل پالیسی‌های چند دهه‌ای است که برای محدود کردن رشد جمعیت چین طراحی شده بود، اکنون جوانان کمی وجود دارند که بخواهند ازدواج کنند. کارشناسان می‌گویند: «زنان جوانی که نقش و

رهبان زن
مریم شاهی

بانوی آهنین اروپا کی بود؟

«هرزنی که مشکلات اداره کردن یک خانه را بفهمد. بهتر می‌تواند مشکلات اداره کردن یک کشور را بفهمد.»



کابل قدیم

جماهیر شوروی سابق حمایت می‌کرد. خانم تاجر همچنین برای تثبیت قدرت بریتانیا در جزایر فانکلند حمله کرد تا به این ترتیب دست آرژانتین را از مالکیت این جزایر کوتاه کند.

درباره مسائل زنان باید گفت که جنبش‌های فمینیستی، مارگارت تاجر را به عنوان زنی می‌شناسند که در دوره رهبری سیاسیش هیچ کاری برای زنان نکرد اما همیشه خود را دختر یک دکاندار و خودش را زن خانه‌داری می‌دانست که برای رهبری کشورش ساخته شده بود و تصمیماتش درست یا غلط بدون چرخش و عدول انجام می‌داد و همسرش را یار و یاور همیشگی خود در دوره رهبری سیاسیش می‌دانست. خانم تاجر مانند هر زنی دیگر به خرید لباس علاقه داشت و لباس‌هایش را به نام برخی از سیاستمداران دنیا نامگذاری می‌کرد یعنی لباس هم برایش یک امر سیاسی بود.

در یک جمع بندی کلی، خانم تاجر را می‌توان یکی از مهمترین سنت شکنان قرن بیستم دانست که با تصدی رهبری یکی از قطب‌های قدرت جهان، سنت سیاسی همیشگی مردان بر عرصه قدرت را به چالش کشید. بسیاری او را از نظر اقتدار سیاسی، هم‌تراز وینستون چرچیل، نخست وزیر دهه ۴ و ۵۰ میلادی قرن بیستم می‌دانند. مارگارت تاجر سرانجام در آپریل سال ۲۰۱۳ میلادی در سن ۸۷ سالگی درگذشت.

از شهروندان بریتانیایی و اضافه شدن میلیون‌ها ساعت کاری در صنعت بریتانیا شد که البته این دستاورد دولت خانم تاجر در نتیجه به چالش کشیدن اعتصاب‌های اتحادیه‌های کارگری در بریتانیا بدست آمد. در عرصه‌های بین‌المللی نیز خانم تاجر به جورج اچ بوش، رئیس جمهور امریکا درباره جنگ خلیج فارس مشورت می‌داد و برای تضعیف قدرت کمونیسم در جهان از گورباچف، رهبر وقت



• این سخن مارگارت تاجر، یکی از برجسته‌ترین رهبان در اروپاست که در تاریخ سیاسی بریتانیا، طولانی‌ترین دوره نخست وزیری را داشته است، رهبری که اقتصاد بریتانیای قرن بیستم را دگرگون کرد و اقتصاد این کشور را به سوی پویایی و شکوفایی بیشتر رساند.

نوع حکومتداری وی بعدها به «تاجرپرسم» معروف شد. از گذشته تا به امروز در عرصه سیاست بین‌الملل از خانم تاجر به عنوان یکی از مهمترین رجال برجسته جهان یاد می‌شود.

خانم تاجر، اولین نخست وزیر زن در تاریخ بریتانیا و طولانی‌ترین دوره نخست وزیری (سه دوره) بریتانیا را در کارنامه خود داشته است. او بخاطر ثبات نظرش در حکومتداری و موضوعات بین‌المللی معروف بود.

در رسانه‌های بلوک شرق یعنی اتحاد جماهیر شوروی سابق به مارگارت تاجر لقب «بانوی آهنین» داده بودند و دوستانش او را بانوی سیاستمداری می‌دانستند که هیچگاه از تصمیماتش عدول یا چرخش نمی‌کند. سیاست‌های اقتصادی تاجر باعث کوچک‌سازی دولت، سهامدار شدن جمعی